

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۱۶ مارچ ۲۰۲۴



یونس نگاه

گلبدین و دولت‌داری

در سخنرانی تازه درون‌حزبی که گپ‌گپیش در رسانه‌ها مطرح شده، آقای حکمتیار به طالبان از چشم یک دوست منتقد چیزهایی گفته است. او طالبان را آنان خطاب نمی‌کند بلکه خود را نیز ظاهراً جزء "نظام اسلامی" می‌داند و هنگام انتقاد و اشاره به وضعیت بیشتر مواقع "ما" می‌گوید. او حاکمیت طالبان را پیروزی اسلام می‌داند ولی انتقاد دارد که حاکمان طالب در تطبیق اسلام جدی نیستند.

موضع او در این سخنرانی، به مسایل زنان ظاهراً غیرطالبانی است اما وقتی دقت کنیم، تفاوت چندانی دیده نمی‌شود. گلبدین می‌گوید تعلیم برای مرد و زن مثل نماز واجب است و هیچ تفاوتی نباید میان این دو قایل شد. اما مثل طالبان می‌گوید مدرسه و مکتب یکی شوند و همه کسانی که درس می‌خوانند باید تعلیم اسلامی داشته باشند. ظاهراً گپ خوب است و مردم افغانستان هم مسأله‌ای در آموزش اصول و فروع دین خود ندارند، ولی چگونگی تطبیق این ادغام مسأله پیچیده است. چطور می‌توان مدرسه و مکتب را یکجا کرد؟ آنچه طالبان انجام می‌دهند و تلاش دارند نظام دانشگاه و مکتب را مدرسه‌ئی سازند، نیز ظاهراً زیر شعار نزدیک کردن مدرسه و مکتب-دانشگاه انجام می‌شود.

در مسأله زنان اگرچه گلبدین به حقوق مساوی تعلیم تأکید می‌کند ولی وقتی نظرش را شرح می‌دهد، همان سخنان ملاعمر و ملاهبت‌الله از دهانش می‌پرد. مثلاً او امتیاز نظام اسلامی را در حقوق زن، حق میراث و حق ازدواج می‌داند. مثل ملاهبت‌الله می‌گوید کسی حق ندارد بیوه را به‌زور زن بگیرد و یا زنی را بدون موافقه خودش، به همسری بگیرد. در این عصر برجسته کردن حق ازدواج و میراث نشانه عقب‌ماندگی است و دنیا بسیار پیشتر از این مسایل رفته است. زن در ادبیات گلبدین انسان کامل نیست و در سایه مرد تعریف می‌شود. در جای دیگری می‌گوید آدم سرمایه‌دار موظف است به زنان و فرزندانش نفقه بدهد. باید پرسید اگر زن و مرد حق مساوی تعلیم داشته باشند، بدون تساوی حق مالکیت و کار، آن تعلیم چه سود خواهد داشت. اگر زن سرمایه‌دار و مالک و صاحب دارائی و کار نباشد و چشم به جیب

همسرش منتظر نفقه زندگی کند، تساوی تعلیم در عمل بی‌معنا می‌شود. در ادبیات گلبدین زن هم صاحب سرمایه و کار نیست، و این هسته نظام طالبانی است.

در اداره و دولرداری طالبان پیشرفته‌تر از آنچه گلبدین می‌خواهد، عمل می‌کنند. گلبدین گفته است که نظام گمرکی و مالیاتی جاری باید لغو شود، و رابطه مالی دولت و ملت تنها به زکات محدود گردد. او فیس‌های خدماتی، اداری و شاروالی را همه غیراسلامی می‌داند. آیا تنها با زکات می‌توان اداره‌ای ساخت که ظرفیت لازم برای ارائه خدمات تعلیمی، امنیتی، انکشافی، فرهنگی، اداری، دیپلماتیک و ... داشته باشد؟ شاروالی‌ها اگر از موترها و دکان‌ها و لوحه‌ها مالیات نگیرند، چطور آب و فاضلاب و سرک و سرسبزی را مدیریت کنند؟

طالبان چون به عمل حکومت‌داری گرفتار شده‌اند، می‌دانند که بدون بانک و مالیات و محصولات گمرکی و فیس خدمات نمی‌توانند تاب بیاورند. گلبدین با این ریش سفید و چند نسل حضور در سیاست، در این چیزهای ابتدائی پای در گل مانده است.

گلبدین مثال نمونه پیرانی است که هیچ میر نمی‌شوند، کتاب‌های تازه نمی‌خوانند و از تجربه نمی‌آموزند. او سیاست‌مداری است که از فرزندان، نواسه‌ها و شاگردانش هر روز بیشتر عقب می‌ماند، و حتی طالبان با این همه عقب‌ماندگی از جهاتی پیشرفته‌تر و عمل‌گراتر از او می‌نمایند. عجب موجودی بوده این کله سنگی!